



دریچه‌ای به استعدادها

مقدمه:

ولی‌پور درباره اهمیت چشم‌گشودیم، اطمینان داشتیم که این صفحه می‌تواند محرکی بر

وقتی صفحه «دریچه‌ای به استعدادها» را با شعر همکار باذوقمان آقای دکتر حسین

صفحه ۶۲ / رازی / سال سوم / شماره ۹ / مهر ۷۱

استعدادهای خفته همکاران شود، که شد. حتماً تا کنون شاهد آن بوده‌اید. اخیراً نامه دیگری از همکارمان آقای دکتر حسین ولی‌پور دریافت داشتیم که بنده را شرمنده کرده بودند. اینجانب هیچگاه خود را در حد تعریف این نامه ندانسته و همیشه افتخار خدمتگزاری به میهن اسلامی و جامعه پزشکی به معنای اعم کلمه را داشته‌ام. بهر حال ایشان با این لطف خود، پیوند همکاری با نشریه خودشان را استحکام بخشیده و «رازی» را مبنی خویشت ساخته‌اند. شعر زیبایی را نیز با نامه خویشت همراه کرده‌اند که با اجازه ایشان يك بيت آنرا حذف و بيت آخر را با توجه به سکنه‌ای که داشت اصلاح نموده و این مجموعه را از نظر گرامیتان می‌گذرانیم.

با امید به اینکه در آینده شاهد شکوفایی استعدادهای دیگری در این زمینه بوده و همچنان همکاری آقای دکتر حسین ولی‌پور را با نشریه داشته باشیم.

سردبیر

جناب آقای دکتر فریدون سیامک نژاد
سردبیر فرزانه ماهنامه رازی

سلام علیکم

از اینکه به قصیده ناقابل اینجانب دکتر

حسین ولی‌پور درباره اهمیت چشم ارج نهاده و با درج آن در ماهنامه رازی شماره ۱ بهمن ماه ۱۳۷۰ مورد لطف و عنایت قرار داده‌اید و آن را محرك پدید آورنده فصلی جدید بنام دریچه‌ای به استعدادها دانسته‌اید، متشکرم.

بنظر من این تصمیم نتیجه غایت حسن نظر شما و نهایت وسعت دانش و بصر آن جناب است و از آنجا که مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد و بنده هم که قول داده بودم شما را در این خدمت مطبوعاتی تنها نگذاشته و در زحمات جنابعالی سهمی داشته باشم بر آن شدم که بجای اینکه بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویشت گیرم.

به عقیده اینجانب نشریه‌ای می‌تواند کامل باشد که جنبه علمی-اجتماعی-ادبی و عرفانی را شامل باشد. زیرا علم سرمایه‌ای بی‌پایان و اجتماع صاحب آن و ادبیات چاشنی هر گفتار و بیان و عرفان پرورنده روح و روان است.

خوشبختانه ماهنامه رازی تا حدود زیادی بهره‌مند از این ارکان می‌باشد. اینجانب که از سال ۱۳۴۴ به خدمت از طریق طب و طبابت دل‌بسته و حدود ۱۵ سال است که متخصص چشم و عضو هیئت علمی دانشگاه هستم در طی این مدت طولانی به این نتیجه رسیده‌ام که طب با وجود پیشرفتهای عظیم هنوز با بسیاری از بیماریهای وخیم روبرو است، که از علاج آنها در مانده است. اینجانب با الهام از شعر لسان‌الغیب حافظ شیرازی که فرموده:

آنها که خاک را بنظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه چشمی بما کنند؟

دریچه‌ای به ماوراء

دوستی دارم که می‌باشد حکیم
عارف و واصل به الله کریم
طب نخوانده، وی طبیبی حاذق است
در عمل بی‌حد امین و صادق است
بیم آن دارم گرازوی دم‌زنم
عالمی رای‌کسره برهم‌زنم
لیک ناچارم بیان حق کنم
خویش ملحق با حق مطلق کنم
چونکه نتوانم بسویش آفتاب
یا بگویم نور خود بر ما متاب
گرچه یاران، خویشان هستم طیب
لیک بیمارم به نزد آن حبیب
هر کجا طب عاجز از درمان بود
حل مشکل بهر او آسان بود
جای درد ورنج را تسبیح او
می‌دهد تشخیص کامل مویمو
با اشارت دردها زایل کند
با بشارت حل هر مشکل کند
دست خود هر جا نهاد این مرد خاص
می‌شود از درد بی‌درمان خلاص
کل اعضاء تحت فرمان وی‌اند
هر چه می‌گوید اطاعت می‌کنند
اوسهر عضوی که فرمان می‌دهد
لرزد و پساخ همان آن می‌دهد
هم به یاری خداوند غفور
هر مرض درمان کند از راه دور
دارویش تنها کمی قند است و بس
یک نگاه ژرف و لبخند است و بس
چونکه دارویی نمی‌گیرد بکار
پس عوارض هم نمی‌آید ببار
خانه‌اش دائم به روی خلق باز
از مرید و دست‌بوس بی‌نیاز
گرچه بیمارش فزون باشد بسی
هیچ دیناری نگیرد از کسی
ای‌ولی دیگر تو از وصفش مگو
چونکه در پاکی بگنجد در سبو



از قدیم پی برده بودم که طب و حکمتی
وجود دارد که بدون استفاده از دوا بیمار را شفا
می‌دهد. لذا سالها به جستجوی چنین حکیم و
طبی شتافته و خوشبختانه اکنون شخصیتی را در
این زمینه یافته‌ام که با شعری تحت عنوان
دریچه‌ای به ماوراء اگر بتوانم صفاتی چند از
ایشان را بیان و چهره این شخصیت را عیان
خواهم کرد. باشد که مانند بوعلی سینا و رازی و
بوسیده ماهنامه رازی باعث تجدید افتخار ایرانی
و ایران گردد.